هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکربند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



نظریات دانشمندان تاجیکستان در مورد شخصیت استاد برهان الدین ربانی، شهید صلح

***

رهبر در یک نگاه

ص۳

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و یکم اول دلو ۱۳۹۰ ۲٦ صفرالمظفر ۱٤۳۳ - 21 January 2012

سفری به منظور ابهام زدائی

◆وحید مژده

سفر مارک گروسمن نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان، به منطقه هرچند کاری خلاف معمول نیست، اما این بار سفر وی مورد توجه بیشتر قرار گرفته است. یک دلیل این اهمیت را می توان ناشی از ابهاماتی دانست که بعد از اعلام آمادگی طالبان برای گشوده شدن دفتری برای آنان در قطر به میان آمده است. هدف از این سفر، جلب حمایت منطقوی برای پروسهٔ صلح در افغانستان خوانده شده است. ناگفته پیداست که جلب چنین حمایت، نیازمند روشن ساختن موارد ابهام و پرده برداشتن از زوایایی است که تاکنون امریکا تعمد در کتمان آن داشته است.

امریکایی ها با اعلام اینکه طالبان دشمن ذاتی آنان نیستند، این ابهام را خلق کردند که چگونه این کشور، نیرویی را که سال ها و به قیمت بسیار گزاف با آن درگیر جنگ بود، دشمن نمی داند. این تغییر موقف امریکا ناشی از چیست؟

در کشوری چون افغانستان که شایعه پراگنی جاذبهٔ بیشتر از توجه به حقایق دارد، این گونه ابهامات می تواند به تقویت



موضع طالبان کمک کند و برعکس موجی از ناامیدی را در میان هواداران دولت افغانستان گسترش بخشد.

حکومت و مردم افغانستان می خواهند بدانند که گشوده شدن دفتری در قطر برای طالبان بر بنیاد چه توافقی صورت گرفته و از دید امریکا، جایگاه حقوقی این دفتر چیست؟ اگر این حرف درست باشد که دولت قطر با دادن این اطمینان به نمایندگان طالبان که در صورت شکست مذاکرات با امریکا و ادامهٔ جنگ در افغانستان هم آنان در قطر مصئون خواهند بود، چنین امتیازی، نوعی مصئونیت دیپلوماتیک را برای طالبان نشان می دهد.

از آغاز اعلام حمایت امریکا از دفتری برای طالبان در قطر، موقف دولت افغانستان، نمایانگر نوعی نگرانی از این تحول بود و سرانجام رئیس جمهور مجبور شد، تا آنرا تأیید نماید. اما به وضوح مشخص شد که این تأیید با دل ناخواسته صورت می گیرد. دلیل این امر ناشی از مذاکراتی است که قبلا میان طالبان و امریکا صورت گرفته و جانب افغانستان در جریان این گفتگو ها قرار نداشته است.

حکومت افغانستان خواهان آنست که مذاکرات با طالبان تحت رهبری حکومت افغانستان صورت گیرد، اما طالبان از قبل مشخص کرده اند که طرف مذاکرهٔ آنان فقط ایالات متحدهٔ امریکاست و حکومت افغانستان را به رسمیت نمی شناسند. خواست حکومت افغانستان از امریکا اینست که از این به بعد، مذاکرات نباید به شکل مخفی صورت گیرد اما برای امریکا دشوار خواهد بود که این خواست افغانستان را بپذیرد.

ص۷

یان کوبش، رئیس هیأت معاونت ملل متحد (یوناما) در افغانستان شد



آقای کوبش که متولد سال ۱۹۵۳ و از کشور سلواکیا است، گفته می شود که، او از تجربهٔ بیشتر دیپلوماسی، پالیسی و روابط اقتصادی بین المللی برخوردار می باشد.

پیش از این سمت هایی را در وزارت امور خارجهٔ کشورش، نمایندهٔ سرمنشی ملل متحد در تاجیکستان، ریاست شورای وزرای کمیتهٔ اروپا و سرمنشی سازمان همکاری و امنیت اروپا، منشی اجرائیوی کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا، انجام داده است.

آقای یان کوبش که روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته وارد کابل شد، در میدان هوایی بین المللی کابل به خبرنگاران گفت که سازمان ملل متحد، افغانستان را تنها نخواهد گذاشت. موصوف افزود، افغانستان درحال پیشرفت قرار دارد و سازمان ملل متحد همیشه در کنار مردم افغانستان قرار خواهد داشت.

پیش از آقای یان کوبش، آقای ستیفن دی میستورا از مارچ ۲۰۱۰ میلادی بدینسو، نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان را عهده دار بود.

در دوران کای آیده و دی میستورا، موضعگیری های بر سر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان، میان حکومت افغانستان و یوناما وجود داشت. اما کارکردها و موضعگیری های آقای یان را گذشت زمان پاسخ خواهد گفت.

بازهم صدای صلح
نشست مشترک صلح افغانستان – پاکستان

ص۲

شروع کار پارلمان بعد از تعطیلی زمستانی

ص۵

سفر هیأت افغانستان به پاکستان و چشم انداز روابط دو کشور

ص۵

سرمای زمستان و سایهٔ شوم فقر

◆ سید عنایت الله شاداب

درین روزها که سردی زمستان بالاتر از ده درجهٔ زیرصفر بیداد می کند و فریاد بیچارگان برهنه و گرسنه اکثریت چشمگری این ملت را تشکیل می دهند، درکوه ها و دره ها طنین انداز گردیده و از کلبه های آوارگان بیداد مزدوران بیگانه جز آوای ناله های نوباوگان معصوم و اطفالی که نمی دانند با چه گناهی از ظلمت آباد شکم های مادران به تاریکستان به شبستان های محروم شمع و چراغ آورده شده و شکنجه می شوند و فریاد می زنند: ای حکومت، ای رئیس جمهور ، ای شوری و ای ... که بازار آزاد شما چراگاهی پرآب و علف و یا به تعبیر رساتر شکارگاهی پر شکاری برای گرگان آدم روئی و جوک های خون آشامی از همین قبیلهٔ ما درین کشور گردیده است، شما چه فکر می کنید؟

آیا این همه شعارهای دموکراسی، آزادی بیان و عقیده ، افسارگسیختگی رسانه های تصویری در زیر پاگذاری موازین اخلاقی و درهم کوبی هویت ملی و... می تواند شکم های گرسنه را سیر، بدن و پاهای برهنه را بپوشاند و کلبه های تار یأسبار کشور نور بخشد و شمع امیدی را در آن ها روشن کند؟؟؟

اساساً در یک کشور اسلامی و در سرزمین های که به نام دارالاسلام یاد می شوند هر آفریده – از حیوان گرفته تا انسان به حیث آفریدهٔ مختار و گزیدهٔ خداوند – حق دارد که از زندگی کریمانه ای برخوردار گردد.

این آفریده ها که مخلوق خداوند اند، رأی آنان همین بس خواهد بود که تا از همه حقوقی برخوردار باشند که گردهای اهانت و ذلت را از چهرهٔ آنها دور سازد.

داستان های آن زن و مردی که اولی به خاطر آماج عذاب قراردادن پشک خود شامل دوزخ شده و دومی هم به خاطر آب دادن سگ تشنه ای شایستهٔ دخول جنت می شود، به همه روشن است.

ص۲



مواد مخدر و مسکرات، بزرگترین تهدید در جامعه

ص٦



برف سرور و اندوه آفرین!

ص٦

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

بازهم صدای صلح

نشست مشترک صلح افغانستان – پاکستان

از آنجایی که صلح، امری خیریست که خداوند آن را خیر خوانده است و کسی نمی تواند دست رد به صلح و آشتی، این فرمودهٔ پرودگار بزند. زیرا در نهایت هر جنگ و کشمش صلح راه خود را باز می کند و به نابرابری ها نقطهٔ پایان می دهد. در جنگ یک دهه پس از سقوط طالبان، بارها طبل صلح و آشتی و برادری و ختم جنگ و تأمین امنیت از جانب دولت افغانستان نواخته شد، جرگه های با مصارف گزاف تدویر یافت، کمیسیون هایی در این راستا ایجاد گردید، اما طرف مقابل (طالبان) به نشست و مذاکره با دولت افغانستان، تن در نداده بلکه، دولت را طرف اصلی ندانسته و امریکا را طرف اصلی وانمود کردند و شرط شان خروج نیروهای خارجی از کشور است.

دولت افغانستان که بارها، بار ملامتی و ناامنی در کشور را به دوش همسایهٔ جنوبی (پاکستان) می اندازد و با سیاست های متضاد، گاهی برادر و دوست خطاب می کند و خود را مدافع آنکشور اعلام می کند، در جرگهٔ امن منطقوی جوزای سال ۱۳۸۶ کمیسیون پنجاه نفری، از هر دو کشور تحت نام «جرگه گی» ایجاد شد که بعد از یکی دو نشست در کابل و اسلام آباد، متوقف و ره به جایی نکشید تا بتواند جلو ناامنی و خونریزی را مانع و به صلح و رفاه و آرامش مردم بینجامد. استاد برهان الدین ربانی در زمان تصدی وظیفهٔ شان به حیث رئیس شورای عالی صلح، سفرهایی جهت آوردن صلح و ثبات در کشور پاکستان داشتند و با دولت و جناح های مختلف آن کشور ملاقات نمودند، باری هم با رئیس جمهور کشور با یک هیأت بلند پایه عازم پاکستان شدند که، آقای کرزی در کنفرانس مطبوعاتی بعد از شهادت استاد شهید گفته بود، در سفرش به پاکستان همراه با استاد ربانی، که نشست ویژه‌ای با نخست وزیر، لوی درستیز و وزیر خارجهٔ پاکستان داشتند. استاد ربانی در آن جلسه اتمام حجت کرد و به مقام‌های پاکستانی گفت که، ما تنها برای صلح افغانستان نیامده ایم بلکه، برای صلح پاکستان نیز آمده ایم. استاد شهید در نشستی که مقامات عالی رتبهٔ پاکستان و افغانستان حضور داشتند، خطاب به جانب پاکستان گفته بود که، کمتر برای افغانستان و بیشتر برای پاکستان در آوردن صلح کار کنند. همچنان استاد شهید، این شعر اقبال لاهوری را در آن نشست به خوانش گرفت.

من نمی‌گویم زیان کن یا به فکر سود باش
ای ز فرصت بی‌خبر در هر چه هستی زود باش
زیب هستی چیست غیر از شور عشق و ساز حسن
نکهت گل گر نه ای، دود دماغ عود باش
راحتی گر هست در آغوش سعی بیخودی ست
یک قلم لغزش چو مژگانهای خواب آلود باش
مومیایی هم شکستن، خالی از تعمیر نیست
ای زبانت هیچ! بهر دردمندی سود باش
نقد حیرتخانهٔ هستی صدایی بیش نیست
ای عدم! نامی به دست آورده ای موجود باش

آری! دشمنان صلح و مردم افغانستان، داعی صلح و آشتی را با گماشتن شخص انتحاری، به نام پیام آور صلح، به شهادت رسانیدند و روند نیمبند صلح را به چالش کشیدند. بعد از شهادت شهید صلح (استاد برهان الدین ربانی) پروسهٔ صلح متوقف و تا هنوز شورای عالی صلح فاقد رهبری می باشد. آقای کرزی در واکنش به شهادت استاد ربانی خطاب به مردم گفته بود، هیچ جوابی برای مردم افغانستان ندارد، جز اینکه بعد از این گفتگوهای صلح را با دولت پاکستان انجام دهد. قرار شد هیأتی از افغانستان به ص۷

سرمای زمستان و سایهٔ شوم فقر



ادامه از صفحهٔ اول

آری! آنگاه که حیوان در پهنای آموزه های اسلامی از چنین امتیازات برخوردار باشد، چه فکر می کنید که انسان از جایگاهی برخوردار بوده و شایستهٔ چگونه اهتمام و توجهی خواهد بود.

انسانی که در قرآن به حیث خلیفه ای زمین معرفی گردیده است آیا ممکن خواهد بود که اسلام نسبت به آن چنین ذلت و اهانت را روا دار باشد؟ و در فقر و فاقه زندگی کند و عزت و کرامت خویش را به خاطر به دست آوردن لقمه نانی قربانی کند؟ و فقر و ناداری سرمایهٔ عزت و کرامت او را پامال و به باد دهد؟

از همین جاست که حضرت در مقوله ای که از وی نقل گردیده است، می گوید:

«اگر فقر در چهره مردی می بود آن را به قتل می رساندم»

این مسوولیت زمامداری جامعهٔ اسلامی در برابر جامعه در زمینه فقر زدایی و تامین زندگی کریمانه برای آنان. محدود به مسلمانان نبوده، بلکه دائرهٔ این مسوولیت همه افراد جامعهٔ مسلمان و غیر مسلمان را فرا می گیرد.

موضع حضرت عمر در برابر آن ذمی یهودی که هنگام پریشانی و درماندگی، دست به تگدی زده با گفتن این جملهٔ ماندگار در صفحات تأریخ که برایش گفت: « ما انصفابک اکلنا شبیبک ثم نضیعک فی هرمک» یعنی ما نسبت به تو راه عدالت را پیش نگرفتیم، جوانی ات خوردیم و در هنگام پیری تو را از نظر انداختیم» زمامداران را متوجه می سازد که در برابر مردم خود در هنگام مصیبت ها چه مسؤولیتی سنگین دارند شما چه فکر می کنید؟ در چنین وضعی که مردم به گونهٔ عام در اثر شدت سرمای طاقت فرسا به ویژه اطفال و پیرمردان و زنان که هر آنی در استقبال مرگ قرار دارند آیا می شود در برابر قضایای چنین حادی با مصاحبهٔ فاقد اثر و محتوی از طرف این نهاد و آن نهاد، مسؤولیت خویش را اداء کرد و به مداوای درک گرسنگی و آفات پرداخت؟

حاکمیت چنین وضعی دردبار بر زندگی احاد جامعه و بلندی نرخ مواد سوخت که خود زادهٔ زیاده خواهی های گردانندگان و مدیران بازار آزاد است، بدون شک مشروعیت دولت را زیر سوال برده و بر اعتبار آن سایه می افگند.

تصامیم جوامع انسانی در همه عرصه های زندگی در آن حد از مشروعیت و تقدس برخوردار است که با زندگی افراد جامعه و عزت و کرامت انسانی آن ها همخوانی و همسویی داشته باشد.

این تصامیم در هر شکلی که باشد، تا آن وقت قابل اعتبار است که در جهت بهبود وضع زندگی مادی و معنوی جامعه اثر گذاری بجای داشته باشد. این بازار آزادی که همه در سطح نهادها و اشخاص برایش نغمه سرائی کرده و دولت های را که بعد از سپری کردن مراحل مختلف در زندگی اقتصادی خویش و تأمین نیاز های اولی، طبقات مختلف جامعه آن را سردست گرفته اند، به حیث نمونه ها ارائه می کنند، می بینید که روز تا روز فاصله های طبقاتی در سطح زندگی مردم وسعت پیداکرده و مردم را نسبت به همه چیز بدبین کرده است. و دولت هم به حیث یک نهاد تماشاگر در چنین حالت های اضطراری، ابتکاری از خود نشان نمی دهد.

اگر وضع مملکت به شکل کنونی دوام کند، نه تنها زندگی روزمرهٔ مردم بحران زده می شود که با مرور چند سال بازار آزاد همه دارایی های این سرزمین را به یغما خواهد برد و مردم هم حیرت زده نمی دانند که دامن کی را بگیرند.

سرمای زمستان بیداد می کند، کلبه های اکثریت جامعه شکل زندان را به خود گرفته که از روشنی و گرما محروم است و دردبار تر از همه این که، سرمای کُشنده، جان ده ها نفر را هم در مناطق مختلف کشور گرفته است.

فریاد و ناله از خنک و سردی زمان

برفکوچ در بدخشان خانواده هایی زیادی را در سوگ نشاند

اندیشه



هفتهٔ گذشته ریزش برف در بدخشان خسارات جانی و مالی را به بار آورد. مقامات محلی تأیید نمودند که در این حادثه ۳۰ نفر شهید و ۵۶ تن دیگر رخمی گردیدند. بدین گونه آمار قربانیان برفکوچ در بدخشان تا به کنون به ۸۶ تن رسیده است. به گفته مقام های محلی، برف باری های امسال در ذات خود، طی ۵۰ سال اخیر در بدخشان کم نظیر بوده است. شاه ولی‌الله ادیب والی بدخشان در تماس به رسانه گفته است که، گروه های نجات عملیات کمک رسانی و نجات افراد گیرمانده در زیر آوار برف را آغاز کرده اند و این عملیات هنوز هم ادامه دارد.

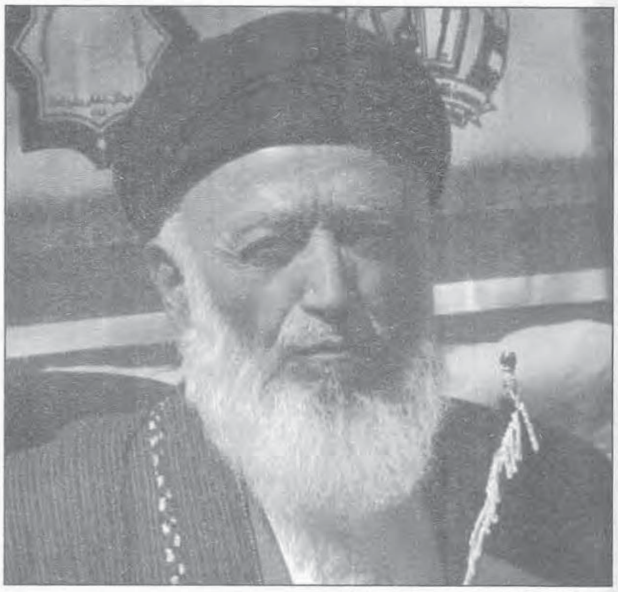
آقای ادیب تصریح کرد که گروه های نجات چندین جسد را از زیر آوار برف بیرون آوردند و به گفتهٔ او، احتمال افزایش شمار قربانیان این حادثه نیز وجود دارد.

والی بدخشان اواخر هفتهٔ گذشته در تماس با رسانه های برون مرزی گفت که، شماری از سازمان های بین المللی وعده داده‌اند که به آسیب دیدگان بدخشانی کمک نمایند، اما وی افزود که هنوز این کمک ها به مناطق آسیب دیده نرسیده است.

به گفتهٔ شاهدان عینی یکی از دشواری های کمک رسانی به مناطق ص۷

رهبر در یک نگاه

عبدالحی خراسانی



ادامه از شمارهٔ گذشته

حمایت از حامد کرزی

استاد ربانی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ میلادی از حامد کرزی حمایت نمود.

ورود به پارلمان

شرکت در انتخابات سال ۱۳۸۴ و انتخاب به عنوان نمایندهٔ بدخشان.

تأسیس جبهه ملی در سال۱۳۸٦

در پی نارضایتی عمومی و روند رو به رشد نا امنی و عدم کفایت سیاسی حکومت، استاد بار دیگر به تأسیس جبههٔ ملی پرداخت که با بحث های جدی در سطح مطبوعات دنبال شد.

معرفی کاندیدا در انتخابات ۲۰۰۹ ریاست جمهوری

استاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹با معرفی و حمایت از دکتر عبدالله عبدالله حکومت را به چالش جدی مواجه ساخت.

ریاست شورای عالی صلح ۲۰۱۰

استاد ربانی بنا به پیشنهاد حکومت و با احساس مسؤولیت دینی و شرعی و با توجه به جایگاه اجتماعی و علمی، ریاست شورا را پذیرفت و سر انجام در راه آوردن امنیت و صلح جان به جان آفرین سپرد.

بسیاری از ارکان سیاسی و جهادی جمعیت اسلامی از رفتن استاد به شورای صلح راضی نبودند، اما همه کسانی که به او اعتراض داشتند به موقعیت منحصر به فرد او به عنوان یکی از ارکان جامعهٔ علمی و فقهی کشورکه فوق شأن سیاسی استاد بود، شاید توجه نکردند. او با احساس مسؤولیت ملی آنرا پذیرفت.

آخرین سفر استاد

آخرین سفر استاد برهان الدین ربانی به تهران به عنوان عضو هیت رئیسهٔ مجمع جهانی دارالتقریب اسلامی بود.

شیوهٔ مدیریت - تربیت یافتگان مکتب استاد- و آیندهٔ جمعیت اسلامی افغانستان

در سایهٔ مدیریت خردمندانهٔ استاد، جمعیت اسلامی افغانستان به یک مکتب تبدیل شد که بسیاری از تربیت آموختگانش هم اکنون از بازی گران صاحب نام صحنه سیاسی کشور به شمار می روند.

استاد ربانی در شرایط دشوار جهاد با همه فراز و فرود رهبری را استوار و خردمندانه نگهداشت و با تدبیر و درایت آنرا هدایت نمود.

شاگردان مکتب استاد ربانی را در یک نگاه می توان به سه دسته تقسیم نمود.

* مکتب استاد، کسانی بودند و هستند که در همراهی با او جهاد را شروع کردند و خود از بنیانگذاران جهاد و مبارزه محسوب می شدند و می شوند. این نسل همگی از درخشانترین چهره های نهضت بودند. انعطاف ناپذیری در برابر دشمن، پاکی، تقوا، طهارت نفس، استقامت، آزادگی، التزام عملی به شعایر دینی و آشنایی با معارف اسلامی از خصوصیت های بارز آنها به شمار می رفت.

* اما نسل دوم از تربیت یافتگان مکتب استاد سیاسی ترند، به این معنی که شاید همزمان با تحولات ملی و بین المللی و با درک به موقع از زبان سیاست روز انعطاف پذیری و سیاست ورزی پیشه کرده اند و امروز که می نگری سیاسی تر به نظر می آیند تا جهادی، اما همگی از مجاهدان نامدار و آبدیده و مجرب اند در عرصه ای جهاد و سیاست.

* و اما نسل سوم، این نسل را می توان نسل امروزی نامید، با دانش روز آشنایی دارند، نسلی که تحصیلات دانشگاهی دارند، با جهان خارج ارتباط بهتری بر قرار می کنند، نوع سیستم کهن حزبی را برنمی تابند، خواهان اصلاحات اساسی و روند دموکراتیک در حزب هستند و به شایسته سالاری می اندیشند. اکنون این میراث گرانسنگ با عرض جغرافیا و طول تاریخ به میراث مانده است، از نگاه حقیقی هیچ شخصیتی نمی تواند جای استاد شهید را پر نماید، او مانند بسیاری از اسلاف معنوی اش به تاریخ پیوست و جاویدانه شد.

قرن ها باید که تا از لطف حق پیدا شود
بایزیدی در خراسان یا اویسی در قرن

نظریات دانشمندان تاجیکستان در مورد شخصیت استاد شهید

Президенти пешини Афғонистон, раиси Шӯрои Олии Сулњи ин кишвар, ...

آنچه می خوانید نظریات دانشمندان کشور تاجیکستان است که در جریدهٔ ملت چاپ آنکشور بعد از شهادت استاد شهید انعکاس یافته است. «مجاهد» بدون کم و کاست، از خط سریلیک به فارسی برگردان و نشر می نماید.

ملت، رئیس جمهور پیشین افغانستان، رئیس شورای عالی صلح این کشور، رهبر نهضت اسلامی افغانستان، سرور نهضت مقاومت مردم افغانستان در طی ۴۰ سال اخیر، استاد برهان‌الدین ربانی، که ۷۱ سال داشت، در ۲۰ سپتامبر در منزل خویش در شهر کابل به شهادت رسید.

استاد برهان‌الدین ربانی، یکی از سیاستمداران مشهور افغانستان در سال های اشغال افغانستان، حرکت مقاومت را رهبری کرد، جمعیت اسلامی، نیروهای تحت فرمان احمدشاه مسعود را زیر چتر خود داشت. وی در سخت ترین دورهٔ رهبر افغانستان بود و تلاش زیادی کرد، تا یک کشور جنگ زده را به سوی صلح و آسایش پیش برد.

آنها روس ها را شکست دادند و این شکست به عمر کشور ابرقدرت اتحاد جماهیر شوروی سابق نقطهٔ پایان گذاشت. و دنیا را در ماورای سیاست جدید قرار داد. اما طالبان در سال ۱۹۹۶ حکومت او را از کابل بیرون راندند و کشور را به جنگ دوامدار کشاندند. تا زمانی، که استاد ربانی حکومت را به حامد کرزی تحویل داد، اکثر کشورهای جهان استاد برهان‌الدین ربانی را رهبر قانونی افغانستان می‌شمردند. پس از آغاز جنگ جدید با شرکت ائتلاف بین المللی تحت سروری امریکا با کنار رفتنش از تخت کابل، استاد ربانی همانا یکی از چهره های کلیدی در افغانستان باقی ماند. با نظرداشت این ناگزیری، استاد ربانی رئیس شورای عالی صلح افغانستان برگزیده شد.

اما فراتر از این همه استاد برهان‌الدین ربانی در دستیابی طرف های درگیر تاجیک به صلح و رضائیت ملی در تاجیکستان سهم اصلی داشت و ملاقاتی که او برای پرزیدنت تاجیکستان امامعلی رحمان و رهبر اتحاد نیروهای مخالفان تاجیک سید عبدالله نوری در خُستک افغانستان ترتیب داد، گردشی را در گفت و شنید صلح تاجیکان به وجود آورد، روند آشتی و تفاهم را نزدیک کرد.

سید امیر ظهوراف، وزیر امنیت وقت تاجیکستان با شنیدن خبر شهادت استاد ربانی شدیداً اظهار تأسف کرد: «خدمت این شخصیت برای صلح تاجیکستان بی‌نهایت بزرگ است. خود او هم انسان خوب و نیکی بود».

مؤمن قناعت، شاعر سرشناس تاجیکستان، استاد ربانی را پیشوای همهٔ اقوام افغانستان خواند و ترور او را یک ضایعهٔ بزرگ و جنایت نابخشیدنی عنوان کرد: «کشتن استاد ربانی دشمنی است به ملت، که بخشیدنی نیست.». او افزود، که در محفل ها از استاد ربانی به عنوان «مرد بزرگ، عالم، فیلسوف و یکی از حکیمان و مردان خردمند افغانستان» نام برده می‌شود. این عنوان را برای او کسی تقدیم نکرده است. او عالم و دانشمند بود. او یک مرد عارف، پاک و وطن پرور بود و کل جامعهٔ افغانستان را همچون برادر و همچون دوست می پذیرفت و استقبال می کرد و برای پیشرفت افغانستان همیشه در تلاش بود.

حاجی اکبر تورجانزاده، روحانی سرشناس کشور، دو روز قبل، ۱۸ سپتامبر با استاد برهان‌الدین ربانی در همایش «بیداری اسلامی» در ص۷

نصب دستگاه تثبیت آلودگی هوا در کابل

فیض



طوری که هموطنان آگاه اند، هوای شهر کابل آلوده بوده که این آلودگی را آگاهان امور، ناشی از تراکم وسایط نقلیه، داش های خشت پزی، تراکم نفوس بیش از حد و جنراتورها دانسته اند.مسلماً این آلودگی هوا بالای محیط زیست اثرگذار گذاشته، سبب شیوع امراض گوناگون و بیماری هموطنان ما می گردد.

به منظور جلوگیری از آلودگی هوا، ادارهٔ محیط زیست و نهادهای ذیربط تلاش هایی را مطابق توان بخرچ داده اند اما جلوگیری آن مشکل به نظر می رسد. در همین ارتباط حدود یک سال می شود که شورای وزیران، روزهای پنجشنبه را برای مامورین دولت در کابل، رخصتی تصویب نمودند تا جلو تردد وسایط نقلیه در حدی گرفته شود.

روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته، ادارهٔ محیط زیست ماشینی را به هزینهٔ حدود سه صد و هفده هزار دالر امریکایی، در کابل نصب کرد که گفته می شود این ماشین آلودگی هوا را تثبیت می نماید. بنا به گفتهٔ رئیس ادارهٔ محیط زیست، پیش از این نمونه های جماوری شده برای سنجش میزان الودگی، جهت تجزیه به خارج کشور ارسال می گردید و برای اولین بار در افغانستان دستگاه نظارت کیفیت آلودگی هوا توسط این اداره تهیه و نصب شده است.

این دستگاه مقدار انتشار عناصر آلوده کننده هوا را تثبیت می کند که به چه مقدار، سطح و شامل کدام ترکیبات است و هم چنان در کدام ساعات روز بیشتر انتشار می یابند.

درست است که این دستگاه می تواند میزان آلودگی و کثافات را معلوم نماید تا ادارهٔ محیط زیست از میزان آن آگاه شوند، این خود یک پیشرفت و آگهی در عرصهٔ کاری آن اداره است. اما آنچه مهم و اساسی است، راهکارهای جلوگیری آن است که باید به آن توجه بیشتر کرد.



تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل (رح)

به اوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا
سرمویی گر اینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی

مفاهیم و معانی ازلطایف وارداتیست ، که انوارآن ازمنبع فیض وکمال ساطع گردیده ودر دایره ی تصور وحیطه ی خیال گام می نهد.

ضمیرانسان و مشاعر بنی آدم جولانگاه این مفاهیم است. اما دایره ی محیط این جولانگاه از حیث وسعت و بیکرانه بودن و از نگاه کیفیت پذیرش و تحمل جوهر معانی اشکالی دارد و اقسامی.

فطرت سالم و ضمیر روشن، که عاری از ظلمات علایق باشد، بهترین و وسیعترین جولانگاه معانیست. سراسیمه گان جهان مادی وآشفته گان دنیای هوس را در قلمرو اندیشه های عالی راهی نیست و نه مفاهیم را با دل و دماغ ایشان رابطه ای و علاقه ای.

در این گیرو دار، نبوغ و استعداد، جایگاه خاص خود را دارد، تا بتواند اندیشه ها و معانی را با ظرافت خاص در چهار چوب الفاظ و کلمات قرار دهد. این جاست، که مقوله ی لفظ و معنی عرض وجود میکند. از یک طرف فطرت سالم و ضمیر روشن و از جانبی نبوغ و استعداد در کار است، تا بتوان اندیشه ومفهوم عالی را با ظرافت و مهارت خاص در چوکات الفاظ و کلمات بیان کرد.

حضرت ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل (رح) با فطرت سالم و ضمیر روشن، با نبوغ و استعداد خاص خویش چه در عرصه ی ایجاد معانی بکر و اعجاب انگیز و چه در قلمرو ترکیب الفاظ و ابداع جملات، طلایه و پیشقراول سالکان این طریق است.

در صدد آن شدم، تا شاه فرد هایی از اقلیم سخن این سلطان سخنوران برگزینم وبا وجود قلت بضاعت علمی و محدودیت امکانات، به تحلیل وتجزیه ی آن بپردازم. ان شاءالله.

حضرت ابوالمعانی بیدل (رح) با قوت معنوی، استعداد سرشار و قریحهٔ بیهمتای خویش مطالب نهایت عمیق و وسیع را در محدودیت یک بیت و حتی یک مصراع چنان ادا نموده که گویا، بحری را درکوزه گنجانیده است. امید است دانشمندان بیدل شناس و مخلصان بیدل دوست در صورتی، که حین مطالعه هرگاه مفهوم تازه یی را در قسمت بیت و یا بیتهای مطروحه در این سلسله نوشته ها، در میابند، ما و خواننده گان را بی بهره نگذارند.

به اوج کبریاکز پهلوی عجزاست راه آنجا
سرمویی گر اینجاخم شوی بشکن کلاه آنجا

تصویر عمومی:

مطلع فوق، بیت معروفیست. طلبه و کسانی، که درس خصوصی خوانده اند، حتماً این بیت را از بردارند. مجموعه ی غزلیات ابوالمعانی بیدل نیز با این بیت آغاز میگردد و ما نیز تفاولاً در شروع این بحث بیت مذکور را برگزیدیم و گویا بیدل عصاره و فشرده ی احساسات معنوی و برداشتهای سلوکی خویش را در این دو مصراع گنجانیده است.

روی سخن به طرف عجزاست. عجز، نه به معنی زبونی، ذلت، خواری و سلب دفاع قدرت از کس و نه به معنی زنده گی طفیلی داشتن و در مقابل همه کس و همه چیز یک نوع حالت (فرودستی) اختیار کردن. بل که عجز، به اساس قرینه ی مقابله در مصراع اول بیت مذکور همانا، حالتی است ضد تکبر و غرور، زیرا، کبریایی، خاص ازآن خاوند قهار است و بالمقابل، عجز، خاصه ی بنده گان خاوند (ج) است. یا به تعبیر دیگر، سزاوار کبریایی؛ ذات اوست. زیرا، متصف به تمام صفت کمالیه است و سزاوار عجز، انسان است. زیرا، متصف به صفات ناقصه است. پس عجز، خود صفتی است زیبنده برای انسان و متناسب با صفات آن. با در نظرداشت همین اصل، بیدل به عجز اهمیت فراوان قایل است و این کیفیت و حالت را علامه ی برتری و کمال می داند.

الفاظ و کلمات:

در بیت فوق الفاظ و کلمات چون جواهر درخشانیست، که انگار توسط گوهر شناسی چیره دست در یک لوحه ی زرین با رعایت تناسبها و زیبایی ها تعبیه شده باشد.

استعمال کلمه ی اوج با کلمه ی کبریا یک ترکیب اضافیست. گر چه مفاهیم مطابقی اوج و کبریا از هم فاصله دارد، اما معانی تضمنی و التزامی آن خیلی با هم نزدیک است. زیرا، هر دو کلمه متضمن حالت براعت و غلو بوده و همچنان لزوماً مشتمل یک نوع برتری و فرا دستی میباشد. پس ترکیب اضافی دو کلمه ای که دارای مفاهیم واحد تضمنی والتزامی باشد، حتماً نکته ی جالبی را افاده میکند و در این جا این نکته عبارت از مبالغه است. مبالغه ی نهایت ظریف و زیبا و در عین حال هماهنگ و متناسب با عظمت و جلال این کلمات.

همچنان مقابله ی اوج کبریا و عجز از نگاه صنعت بدیعی حاوی صنعت تضاد بوده و در زیبایی مصراع افزوده است.

در مصراع دوم نیز محسنات زیادی موجود است. مثلاً: ایراد ترکیب اضافی « سر مو» دارای ظرافت و لطافت خاصی است. زیرا، این ترکیب مفهوم اندک بودن و نهایت قلت را افاده میکند. این معنی را گر چه صرف کلمه ی «مو» هم افاده میکرد، اما اضافت کلمه ی سر با مو متضمن مبالغه ی نهایت ظریف و قشنگی است و ضمناً با ترکیب «اوج کبریا» که مفهوم جلال و عظمت را میرساند، مقابل واقع گردیده، که این نیز به زیبایی این مصراع افزوده است و ضمناً کلمه ی «سر»، «مو» و «کلاه» صنعت مراعات النظیر را تشکیل میدهد. و همچنان استعمال کلمه ی « سر» در پهلوی «مو» یک نوع اتهام خفیفی را در ذهن تداعی میکند و هکذا کلمات «خم» و«بشکن» نیز به اثر ارتباطی که به همدیگر دارد، بر لطف و ظرافت مصراع دوم افزوده است. خم شدن در مصراع دوم، که سمبول عجز است، با کلمه ی «عجز» در مصراع اول ارتباط مستقیم دارد. ترکیب «کلاه شکستن» اصطلاح به خصوصی است. این اصطلاح مربوط به عرف وعادات جامعه ی مشخصی میباشد. در جامعه ی هند آن روزگار (عصر بیدل) مها راجا های هند و سپه سالاران قدرتمند بر سبیل افتخار، کلاه خویش را به صورت کج یعنی متمایل به یک طرف سر و یا پیشانی میپوشیدند و اصطلاح «کلاه شکستن» از این عادات ناشی گردیده، بناءً به معنی افتخار و سرور می باشد.

مفهوم کلی این بیت چنین است که: انسان این طایر گلشن قدس در دامگه ی حادثه اسیر گشته است، میتواند به اثر یک سلسله تلاشها، کوششها و کششها خود را وا پس به مقام اصلی اش برساند و به اوج معنویت و روحانیت گام نهد و توسن سرکش خواص حیوانیت و بهمیت را که منشاء همه بدبختیهای بشریت است، مهار کند وآتش غرایز غضبانی، شهوانی و حیوانی اش را خاموش سازد. از نظر بیدل سمبول این همه مهار کردن هوسهای منفی و عامل معتدل نگاه داشتن غرایز، همانا عجز است. زیرا، کسی که به مقام عجز میرسد. تکبر؛ خود خواهی، تجاوز، حسد، کینه، بغض، عداوت و سرانجام همه امراض باطنی از حریم فطرت او رخت میبندد و مسلماً کسی که در مقام عجز است، گویا به معراج والای انسانیت وآدمیت نایل گشته است و مبالغه یی که در این بیت است، این مفهوم را میرساند که عجز به منزله ی چنان دوای مؤثر مجربی است که حتی به اندازه ی یک« سرمو» از آن میتواند تمام امراض باطنی را علاج و مداوا کند.

خلاصه ی مفهوم بیت: به اوج کبریا؛ یعنی در مقام والای روحانیت و معنویت میتوان از برکت عجز و انکسار واصل شد. بناءً کسی که به اندازه ی یک سر مو در این جا خم میشود، از برکت این عمل نا چیز با افتخار و خوش در مقام والای معنویت گام می نهد.

گفت و شنود
پسر و پدر مستمند

پسری گفت با پدر روزی
که مرا هست درد جان سوزی
گر اجازت دهی سوال کنم
تا قناعت ز شرح حال کنم
پدرش گفت ای جگر گوشه
کن سوالت ز روی اندیشه
هر سوالی جواب میخواهد
تشنگان جام آب میخواهد
پسر با ادب بخود پیچید
بعد از آن از پدر چنین پرسید
کای پدر جان چرا غریب هستی؟
زندگی داری با تهیدستی
داری تحصیل فوق و هم دانش
هم نوشتار و گفت و هم خوانش
روزها میروی بجانب کار
شام ها خانه آیی خسته و زار
طبع و خُلقت همیشه دلگیر است
من ندانم که این چه تد بیر است
بی سوادان و قاتلان و دغا
صاحب مکنت اند و صاحب جا
خانه ها ساختند چو قصر جنان
با درختان و با گل و ریحان
همه شان موتران شیک سوار
همه با پول و نعمت بسیار
همه با گارد و با تفنگداران
همگی حاکم اند و با فرمان
ما همه بندگان رحمانیم
این تفاوت چه است؛ نه یکسانیم
***
پدر درد دیده یی حیران
با پسر رو نمود و کرد بیان
آهی از دل کشید و داد جواب
گفت کردی مرا به غصه کباب
هر که باشد خسیس و دزد و غدار
صاحب پول میشود بسیار
از حلال؛ پولداری آسان نیست
در حرام شیوه های ایمان نیست
چون وطن جایگاه دزدان شد
مردم با خرد پریشان شد
چور قانون شد و جفا حاکم
قتل ها شد برای پول دایم
جاهل و بی خرد فراوان شد
عا لم و با هنر پریشان شد
هر که را هست دانشی در سر
میدهندش هزار و یک کیفر
شادم از صدق و از صفای خویش
با قناعت کنم رضای خویش
دست من تر بخون مردم نیست
پیش مردم صداقتم گُم نیست
سر فرازم چو سرو آزادم
از عملکرد خویش دلشادم
عیب من نیست غربت مادی
میکنم از صداقتم شادی
ثروت و ظلم بی بقا باشد
آخرالامر حق بجا باشد

سفر هیأت افغانستان به پاکستان و چشم انداز روابط دو کشور همسایه

نذرالله عنایت

یک هیأت بلند رتبهٔ کشور به رهبری حضرت عمر زاخیلوال وزیر مالیهٔ کشور، در هفتهٔ گذشته وارد اسلام آباد پایتخت پاکستان گردید. این هیأت در آستانهٔ برگزاری هشتمین جلسهٔ اقتصادی، میان مقامات هر دوکشور صورت گرفت. به گفتهٔ مقامات وزارت مالیه، در این سفر هیأت افغانستانی با همتایان پاکستانی خود در مورد روابط دو جانبه بحث هایی نموده اند.

به گفتهٔ آنان عمده ترین محور این گفتگوها را موضوعات اقتصادی، بازرگانی و ترانزیتی تشکیل داده است. سفر مقامات کشور، به پاکستان در حالی صورت گرفت که روابط این دو کشور برسر موضوعات مرتبط به موضوعات جنگ و صلح در نازل ترین شکل خود قرار دارد.

رسانه های خبری از قول مقامات کشور گزارش داده اند که این سفر به منظور حل چالش های موجود، در مورد عملی شدن توافقات ترانزیتی، صورت گرفته است.

تجار و بازرگانان کشور شکایات دارند که جانب پاکستان هیچ گاه پایبند به توافقات تعهد شده نبوده و همواره مانعی و سد راه اموال ترانزیتی افغانستان می گردند. روابط افغانستان و پاکستان پس از آن در حد اقل رسید که استاد ربانی رئیس شورای عالی صلح توسط یک تروریست انتحاری که گفته شد، از کویتهٔ پاکستان دستور حمله را کسب نموده بود، در تاریخ ۲۹ سنبله سال روان به شهادت رسید. در آن وقت امنیت ملی افغانستان گفته بود که شخص انتحاری شهروند پاکستان بوده و به دستور و تحت نظارت سازمان استخباراتی پاکستان این حملهٔ بزدلانه طرح ریزی و انجام شده است.

پس از شهادت استاد، حکومت افغانستان تمام جلسات سیاسی، امنیتی و اقتصادی را با پاکستان متوقف ساخت و در یک کنش دیگر سفر متوقعهٔ صدر اعظم پاکستان به افغانستان را هم لغوکرد.

بنا برآن قرار بود، سفر هیأت افغانستان ماه ها پیش به پاکستان صورت گیرد، اما با شهادت استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای صلح، روابط هر دو کشور به تیره گی گرایید و ا ین سفر به تعویق در آمد.

در همین حال روابط پاکستان، به دلیل کشته شدن سربازانش در نوار مرزی افغانستان از سوی نیروهای ناتو، با متحدین غربی اش به حد اقل رسید. این کشور برعلاوهٔ این که مانعی بر سر راه ترانزیتی اموال ناتو و تجار افغانستانی ایجاد نمود، در روابط خود با هم پیمانان غربی اش نیز تجدید نظر نمود.

پاکستان در یک اقدام دیگر تمام جلسات امنیتی خود را با نیروهای ناتو مستقر در افغانستان قطع نمود و به امریکا دستور داد، تا پایگاه شمسی را که در داخل خاک آن کشور فعالیت داشت تخلیه نماید.

در یک اقدام دیگر در روز هایی اخیر، این کشور به نمایندهٔ خاص امریکا در امور افغانستان و پاکستان آقای مارک گروسمن اجازه نداده است، تا وارد اسلام آباد شود. از آن جایی که، بیشترین اموال تجارتی افغانستان از طریق پاکستان وارد می شود، تنش های چند جانبه نرخ مواد اولیه را در بازارهای داخلی بالا برده است. افزایش سرسام آور نرخ ها در بازار، در نهایت شهروندان کم درآمد افغانستان را متضرر ساخته است.

صعود قیمت ها در حالی صورت می گیرد که زمستان سخت و برف ریزی هایی متواتر، سراسر کشور را فرا گرفته و در اکثر مناطق راه های مواصلاتی را مسدود نموده است.

پرسش اساسی این است که آیا دیدار اخیر می تواند، در عادی ساختن روابط کشور تأثیر گزار باشد یاخیر؟ کارشناسان بدین باور هستند که هر چند در صدر آجندای این سفر، اهداف اقتصادی و ترانزیتی مطرح شده است، اما با توجه به تیره گی موجود، در روابط دوکشور و نیازمندی های افغانستان در شرایط حساس، این گونه سفرها می تواند تلاش دیگری یا به عبارهٔ دیگر، چراغ سبزی باشد، در جهت عادی ساختن روابط در تمام عرصه ها.

روابط افغانستان از ده سال بدین سو، همواره در نوسان بوده و فضای بی اعتمادی میان هر دو کشور دامن گسترده است. به منظور داشتن روابط نیک مبتنی بر حسن همجواری و احترام به حاکمیت ملی، از سوی افغانستان تلاش های زیادی صورت گرفته است. آمار دیدارهای مقامات بلند رتبه طی ده سال گذشته، در طول تاریخ سیاسی هر دو کشور کم نظیر بوده است. مسلماً در پی هر سفر تعهداتی نیز صورت می گیرد، اما پس از تعهدات انجام شده با گذشت کمترین وقت، در عمل ثابت شده است که این کشور، مشکلات زیادی را در قبال افغانستان ایجاد نموده است. به باور کارشناسان هرگونه چانه زنی در روابط هر دو کشور تا به کنون بی نتیجه مانده و تأمین صلح و ثبات را در کشور به چالش کشانده است.

حالاکه سفرهیأت بلند رتبه تحت سرپرستی وزیر مالیه با اهداف نیک و حل تنش های ایجاد شده در روابط دو کشور همسایه صورت گرفته است، گذشت زمان نتایج متوقعهٔ آن را در آیندهٔ نه چندان دور ثابت خواهد کرد.

*

د شهید استاد په یاد

هغه روڼ مشعل چې دهیواد د خپلواکۍ او په هیواد کې د اسلامي نظام د ټینګښت د لارې. یرن والو دهغې په رڼا کې د فتح او بریا سپیڅلی منزل ته د رسیدو ویاړ وګټو او بیا د مقاومت په مهال د محفل یاران د هغه مشعل په شاوخوا را ټول شول او د مقاومت د ویاړلي سنګر لپاره ئې ددې مشعل څخه تودوخه واخستیله.

او چې کله د جنګ او تباهۍ میته والو د هیواد د ودې او پرمختګ قافله د څیدونې د ګواښ سره مخ کړه نو بیا دسولې او دوستۍ د پیغام سره د سپین بیرغ په څیر د سوله ایزې قافلې په سرکې روان شو ترڅو خپل جنګ ځپلی هیواد د ودې او پرمختګ په چاره کې د سیالو سره سیال کړي. او خپلو خلکوته د سوله ایز او خوندي ژوند برابرولو ارمان ته رسیدو لپاره ئې هلې ځلې پیل کړې.

لکه څرنګه چې د جهاد او مقاومت چاره کې رښتني او دکلک هوډ خاوند ؤ د سولې لپاره په مبارزه کې هم زړه ور او د کلک هوډ څښتن ؤ. کله چې په هیواد کې جهاد او مقاومت اړین ؤ له خپله خانه ئې جنګي وړتیا وښودله او کله چې د سولې د تامین او د جګړې د پای ته رسیدو اړتیا ولیدل شوه نو ده دا ثابته کړه چې نه یوازې د جنګ د میدان زمرې بلکه د سولې د ډګر اتل هم وې.

د کنړ ولایت د نورګل په ولسوالۍ کې د اسلامي جمعیت دفتر د خپل رهبر په اتلولۍ ویاړي او د شهید استاد د سپیڅلو هیلو او ارمانونو د تحقق لپاره په کلک هوډ او پوره

ایماندارۍ سره تاکل شوی مسیر تعقیبوي او پدې لاره کې تر پخوا زیات ګړندي ګامونه اخلي. په دې هیله چې پدې بڼ کې د شهید استاد د پاکې وینې د هرې څاڅکې څخه د هغه د ارمانونو او سپیڅلو هیلو رنګ په رنګ ګلونه و تو کیږي.

الحاج احمدالله (خلیل)

د نورګل ولسوالۍ د مرکزي دفتر مسؤول

تکساری

شروع کار پارلمان بعد از تعطیلی زمستانی

شروع کار پارلمان بعد از ختم رخصتی های زمستانی، به مثابهٔ یک نهاد قانونگذار، بدون شک یک نیاز اساسی در اوضاع کنونی کشور است؛ زیرا وظیفهٔ اساسی پارلمان، قانونگذاری، نمایندگی و کنترول از اعمال حکومت است.

باید گفته شود، که دورهٔ نخست پارلمان پس از حکومت موقت، از پارلمان موجوده، با برنامه تر و موفق تر بوده است. از نبود پارلمان، موجودیت یک پارلمان ضعیف، بهتر است.

در شرایط و اوضاع کنونی کشور باید پارلمان به فشار خود بالای حکومت ادامه دهد، تا حکومت شیوه های قانونی را در اجراآت خود به کار گیرد. مثلا: مردم در انتظار اند که وزیران سرپرست تعویض گردند و اعضای باقیماندهٔ کابینه از مجلس رای اعتماد به دست آرند. به همین گونه رئیس ستره محکمه و سایر مسوولین ادارات باید از پارلمان رای اعتماد به دست آرند.

از انتخابات دور دوم ریاست جمهوری تا اکنون تعدادی به شکل غیر قانونی، در وزارتخانه ها به مثابهٔ سرپرست کار و امر و نهی صادر می کنند. با وجود فشارهای پارلمان، افکار عامه و رسانه ها، رئیس دولت تا اکنون حاضر نگردیده است به عمر این سرپرست ها پایان دهد. حکومت همواره در برابر تصامیم پارلمان مقاومت نموده و خواسته است، تا پارلمان در دست این حاکمیت قرار داشته باشد؛ به هر صورت در برابر مجلس نمایندگان وظایف بسیار خطیر و مهم قرار دارد، که باید به آن بپردازد.

پارلمان می تواند نقش خود را در این اوضاع و احوال بسیار پیچیده ایفاء نماید. امروز بسیاری از مناطق افغانستان از بی کفایتی مسوولین به جان آمده و طرفدار تغییر، اصلاح و نظام قانونمند اند. اگر در قسمت های از افغانستان، جنگ و بد امنی بیداد می کند، در مناطق دیگر مردم از بیداد مافیای قدرت، زمین و سرمایه به جان رسیده اند و مافیای ادارهٔ کشور را در کام خود فروبرده است و مردم کمتر امیدی به این حاکمیت دارند، پارلمان که باید پیوند عمیق با مردم داشته باشد، خود در آتش نفاق می سوزد و تعدادی به نام قوم، قبیله و زبان گوش به فرمان اند. بر پارلمان است تا به طوری قاطع در کنار مردم قرار داشته باشند و خود را شریک دردها و آلام این جغرافیای سیاسی سازند.

بیکاری، فساد، بی کفایتی و شعار دادن امروز از وظایف اصلی این حاکمیت شمرده می شود. پارلمان می تواند تا حدی جلو خود سری های حکومت را بگیرد، از وزیران گزارش دقیق مطالبه نماید، وزیران با کفایت و بی کفایت را تمیز دهند و در جهت اصلاح اقدام نمایند. در شرایط و اوضاع کنونی افغانستان پارلمان می تواند بر انکشاف متوازن تاکید نموده و بر توزیع قدرت و سرمایه در میان ولایات مختلف نظاره کند. بسیاری از ولایات کشور و ولسوالی ها همین اکنون فاقد مراکز صحی، پولیس تعلیم یافته، معلم و استاد مسلکی است.

امروز دولت در نظر دارد، تا در هر ولایت یک پوهنتون ایجاد نماید، آیا این پارلمان گاهی سری به این پوهنتون ها زده اند؟ آیا کسانی که به کار تدریس در این پوهنتون ها مشغول اند، قادر اند این امانت بزرگ را ، درست پاسداری کنند.

امروز همه چیز در افغانستان سیاسی شده است. پارلمان می تواند حد اقل صدای مظلوم و رنجدیدهٔ مردم افغانستان را بشنود و اعمال حکومت را افشاء نماید، در صورتی که پارلمان نتواند مسوولیت های خود را از سر گیرد و در برابر فساد و لگام گسیختگی ها مقابله نکند، در آیندهٔ کسی حاضر نخواهد شد، به نام وکیل و نماینده از مردم رای اعتماد به دست آرد و مردم کمتر حاضر خواهند شد تا ارادهٔ خود را تمثیل نماید.

بر پارلمان کشور است تا در گام نخست نقش پارلمان کشور را برجسته سازند و منحیث نمایندگان مردم و قوهٔ قانونگذار در کشور در برابر نابرای ها مصممانه موضعگیری و از حقوق حقهٔ مردم دفاع نمایند.



مواد مخدر و مسکرات
بزرگترین تهدید در جامعه

استاد عبدالعلی کوهی

امروز أحاد جامعۀ افغانستان، به شمول احزاب سیاسی، آگاهان و صاحب نظران به یک صدا و از یک حنجره صدا می زنند، که بنیاد جغرافیۀ سیاسی افغانستان از پای بست به مرمت و بازسازی نیاز دارد. در هفته های اخیر ماه گذشته ار گان های دولتی، هشتمین سالگرد تصویب قانون اساسی را برای این حاکمیت یک دستآورد تلقی کردند؛ در حالی که از قانون گریزی، فرار از قانون و از اینکه قانون وسیله یی ستمگران گردیده است و این کاغذ پاره ها فقط در شعارها باقی مانده است، سخنی به میان نیآمده است.

امروز ما بسیاری از کمبودی ها، فساد گسترده، حق تلفی، معافیت مجرمین از قانون، همانا پشت پازدن به قانون و زیر بار قانون نرفتن است، که تبعات منفی آن، سراسر جامعه را فرا گرفته است.

قانون شکنی و فرار از قانون می تواند از دو منظر مورد بررسی قرار گیرد. در گام نخست نبود قانونمندی و قانونمداری و تداوم آن می تواند دولت را از حوزۀ مشروعیت خارج سازد و ثمره یی دیگر این قانون شکنی، گستردگی فساد و فروپاشی نظام اداری، سیاسی و بافت اجتماعی در کشور می باشد.

دولت با وجود تاسیس ارگان های مختلف مبارزه با فساد و با هزینۀ هنگفت نتوانسته است، جلو گسترش فساد را در کشور بگیرد. به تحلیل بسیاری از محققان کشور، امروز یک گسست در ادارۀ دولتی به وجود آمده است و این لگام گسیختگی در گام نخست عدم تطبیق قانون از جانب مسؤولان ملکی و نظامی در کشور است.

مردم افغانستان از این قانون شکنی آسیب های فراوان دیده اند؛ طوری که دیده می شود، تخلف، تقلب و خشونت در سراسر کشور در حال افزایش می باشد و کمبود تعقیب عدلی می تواند، یک نوع معافیت از قانون را در برابر مجرمین توجیه نماید. پس از گذشت ده سال از نظم نوین و هشت سال از تصویب قانون اساسی، تا هنوز مردم مطمین نگردیده اند که قانون از آنها حمایت می نماید و آنها یک ادارۀ دلسوز را در برابر خود دارند و در مواقع لازم می توانند، به این اداره مراجعه نمایند.

مافیای زمین، سرمایه و دزدان حرفه یی در کشور در یک مصونیت کامل زندگی می کنند و از پناهگاه امن برخوردار اند. دولت در تمام مجامع داخلی و بین المللی از یک تعهد سخن می گوید که آن تعهد مبارزه با فساد است. اما آیا دولت تصمیم دارد که با فساد مبارزه کند؟

چگونه می توان با یک چنین فساد گسترده مبارزه کرد؟ فسادی که ادارۀ کشور را فلج ساخته است، اینها پرسش هایی اند که باید به آنها پرداخته شود. به جرئت می توان گفت که فساد فزایندۀ موجود در دستگاه دولت، چیزی جز محصول قانون شکنی، خودسری، بی مبالاتی در برابر ارزش های ملی، پناه بردن در پس دیوار قدرت چیز دیگری بوده نمی تواند.

تا کنون هیچ یک از مقامات مسوول و با قدرت در پشت پنجرۀ محکمه قرار نگرفته است، دولت فقط شعار می دهد و به تشکیل کمیسیون های فرمایشی دست می یازد. باید گفت که دولت ارادۀ مبارزه با فساد را ندارد و آنچه تعهد می سپارد، فقط از سر ناگزیری، شعار و تعارف می باشد. هدایت رئیس دولت برای مبارزه با مواد مخدر، مسکرات و مواد نشئه آور را می توان از یک چنین تعهدات دولتی دانست که این تعهدات هرگز در جامعه عملی نگردیده است.

امروز مواد مخدر، مسکرات، از بزرگترین تهدید های جامعۀ ما است که بسیاری از جوانان کشورما را شکار نموده است. ارقام نشان می دهد که چیزی کم در حدود یک میلیون انسان در کشور در گرو مواد مخدر قرار دارند، موجودیت جمع کثیری از مبتلایان به مواد مخدر چهرۀ شهر ما را به ماتمکده تبدیل کرده است. چهره های رنگ پریده و استخوانی این معتادان در مناطق مختلف شهر کابل و سایر شهر های افغانستان، وجدان هر بیننده را متاثر می سازد.

در صورتی که جلو کشت، زرع و استفاده از مواد مخدر گرفته نشود، افغانستان دچار نگرانی بزرگ در آینده خواهد شد. افزون بر تریاک، هیروئین، مورفین، چرس و سایر مواد نشه آور که موجبات اضمحلال روح، روان و جسم انسان می گردد و انسان را از حالت نورمال به حضیض کرامت انسانی تنزل می دهد.

امروز مشروبات الکلی در جنب سایر پدیده های منفی در بین جوانان پخش می شود و این مشروبات الکلی به وسیلۀ خارجی ها و مافیای سرمایه به داخل کشور پرتاب می شود که تعدادی از جوانان ما آنچه در دخل و تصرف خود دارند در خرید و استعمال آن از دست می دهند. دولت می تواند به کمک نیروهای کشفی، پولیس و امنیت ملی مراکز قاچاق، تورید و مراکز تولید آن را در داخل کشور بگیرد.

باید گفت که افغانستان را هاله یی از بی ثباتی تشکیل می دهد که عدم ثبات سیاسی نتیجه اش تخریب بنیاد های فرهنگی، اخلاقی و در مجموع گسست بنیاد های تحکیم یک جامعۀ سالم است. موجودیت مواد مخدر، مشروبات الکلی باعث کاهش نیروی جوان کشور گردیده و در فرجام کشور را از توسعه و رشد باز می دارد.

افزون بر معتادان مواد مخدر در کشور، رقم بلند معلول و معیوب در این سرزمین از حد انتظار بیرون است. در چنین اوضاع و احوال یک اراده یی قوی و سراسری ضرور است، تا بتواند بر این گونه پدیده های منفی مبارزه بی امان نماید و در کنار ارادۀ قوی دولت، کمک و همکاری های جامعه جهانی در خصوص محو این گونه پدیده های منفی امر حتمی است؛ زیرا دولت قادر نیست با یک چنین ظرفیت های مالی با این پدیده های منفی مبارزه نماید؛ اما کاری را که دولت می تواند انجام دهد، همانا آگاهی دهی از این پدیدۀ منفی در کشور می باشد.

وزارت های معارف، حج و اوقاف، عدلیه و صحت می توانند در این مبارزۀ سراسری نقش اساسی داشته باشند. مبارزه با این پدیده های منفی، نه تنها از وظایف دولت است؛ بلکه احاد جامعه مسوولیت دارد تا با هر نوع امکان (مادی و معنوی) در این راستا نقش خود را در محو و کاهش این پدیده های منفی ایفاء نماید.

کلینیک های سیار و ثابت در ولایاتی که در آن تعداد مبتلایان مواد مخدر بیشتر می باشد، از وظایف اساسی وزارت صحت است، تا به این مشکل بپردازند و برنامه های بازگشت به زندگی طبیعی را برای معتادان روی دست گیرد. اما با یک چنین ارادۀ ضعیف و با یک چنین فساد گسترده نمی توان با چنین پدیده های غیر انسانی مبارزه کرد. تا زمانی که دولت در عملکرد خود، از خود صداقت نشان ندهد، نمی توان به نتایج این مبارزه چشم امید داشت؛ زیرا مبارزه با چنین پدیده های منفی، مستلزم یک حکومت عادل، پاسخگو، مسوول و با اراده می باشد، چیزی که مردم در انتظار آن بسر می برند.



برف، سرور و اندوه آفرین!

ثامر

در همه موسم های سال، که شامل بهار، تابستان، خزان و زمستان می باشد، مردم انتظاراتی از این فصل ها دارند. اما انتظار مردم از فصل زمستان این است که، برف ببارد. این بارندگی برف را فال نیک برای بهار و تابستان می گیرند تا آب فراوان و مزارع شان سرسبز و شاداب گردد، دشت و صحرا پُر علوفه گردد تا رزقی برای مواشی باشد. این ها همه سبب می شود تا انسان و حیوان به خاطر آرام زیست نمایند. همچنان بارندگی سبب می شود تا از محیط زیست بهتر برخودار و شاهد شیوع امراض در جامعه نباشیم.

نباریدن باران و برف را مردم، خشک سالی می نامند که در این صورت، مردم مواشی شان را از دست می دهند، قحطی بار می آید، فقر سایه می افگند که طعم تلخ آن را هرچه ذیروح در زمین است، می چشند.

اما دیده می شود، مردمان در جوامع به دسته های فقیر و غنی، سرمایه دار و مستمند تقسیم شده اند. گروهی افراد متمول و دارای سرمایه اند که از باریدن برف و باران لذت می برند، شادی سر می دهند، به دشت ها و پارک ها و سرک ها با دل گرمی که دارند، می دوند و از آن لذت می برند. چون به خانه هم بر می گردند، خانۀ شان گرم و دسترخوان شان مملو از خوردنی های رنگارنگ است. این طبقه به منظور این که حافظ صحت شان باشند، مجبور اند راه بروند و دوش کنند، خود را خسته سازند تا آنچه را نوش جان کرده اند، هضم شود.

اما طبقۀ دوم که فقیر اند و با نان خشک شکم شان سیر نیست، از دیگ شان در هفته ها صدای روغن و پیاز بلند نمی شود، برف و باران به این طبقه، به گفتۀ همان ضرب المثل مشهور «شبنم در خانۀ مورچه، طوفان است». زیرا مستمندان و اطفال شان با پای برهنه و لباس های مندرس توان آن را ندارند تا از خانه های سردشان بیرون شوند و سرور و شادی سردهند. این ها اگر بیرون شوند و یا راهی را که بخواهند با صد مشکل طی کنند، بخاطر بدست آوردن لقمۀ نان است تا خود و فامیل شان را از گرسنگی نجات دهند. شاعری راه رفتن هر دو طبقه را این چنین به تمثیل گرفته است:

من از برای کسب غذا راه می روم
آقا برای هضم غذا راه می رود

در اینجا «من» شخص فقیر، و «آقا» خطاب به سرمایه دار است. که در راه رفتن و آرام نه نشستن، هر دو وجه مشترک دارند.

روی سخن به آنهایی است که سرمایه دارند، مشاهده می کنند که در همسایگی و هم محلگی شان افراد بی بضاعت، فقیر و محتاج به لقمۀ نانی محتاج اند و اتاق های شان در سرمای زیر صفر، همچون هوای بیرون منزل سرد است. دین و شریعت و وجدان بیدار انسانی حکم می کند که باید به مشگلات آنها رسیدگی نمود.

دولت که خود را مدافع مردم قلمداد می نماید، در قبال مرفوع نمودن مشکلات مردم مسوولیت دارد تا زمینۀ کار را برای شان مساعد سازد. هر جوانی که دست به دزدی می زند، به مواد مخدر معتاد می شود، راهی کشورهای بیگانه جهت تدارک کار سرگردان می گردد، طعمۀ نهنگ های بحر و درندگان دشت و صحرا می شود، مسوولیت آن در دنیا و عقبی بدوش کسی است که حاکم این ملت است، اما در بهبود وضعیت اقتصادی شان توجه نمی کند. زیرا فقر است که غرور انسانی را پایمال و انسان را به بیراهه سوق می دهد و در ذهنیت ها محکوم، و منزوی در جامعه می گرداند.

*

سفری به منظور ابهام زدائی

ادامه از صفحهٔ اول

طالبان نمی خواهند جزئیات مذاکرات آنان با امریکایی ها افشا گردد زیرا در این رابطه حساسیت هایی وجود دارد که نمی خواهند جنگجویان طالب در جریان همه مسایل قرار گیرند و به این ترتیب روحیهٔ آنان تضعیف گردد. از طرف دیگر طالبان در مذاکراتی از این دست، تجربهٔ کافی ندارند و ممکن است اندکی اشتباه برای آنان تبعات جبران ناپذیری را در پی داشته باشد به خصوص که اکنون پاکستان نیز از رهبری طالبان راضی نیست و سخت در تلاش است این رهبری را تغییر دهد.

هرچند تا کنون موقف امریکا نیز در رابطه به مذاکرات این بوده که باید طالبان قانون اساسی افغانستان و نظام موجود را بپذیرند و دست از خشونت و رابطه با القاعده بردارند، اما با اعلام دفتر در قطر، طالبان یکبار دیگر به صراحت اعلام داشتند که آغاز مذاکرات با جامعهٔ جهانی به معنی پایان درگیری نیست و تا زمانی که یک سرباز خارجی در افغانستان حضور داشته باشد، جنگ ادامه خواهد یافت. این مسئله خود نشان می دهد که هنوز مشکل اساسی میان طالبان و امریکا یعنی تعیین تاریخ خروج نیروهای خارجی به حال خود باقیست.

این ابهامات موجب بروز نگرانی هایی نه تنها در دولت افغانستان بلکه، در میان نیروهای اپوزیسیون سیاسی و نهادهای جامعهٔ مدنی گردیده است. بعضی از حلقه ها در امریکا نیز تلاش دارند تا با استفاده از همین فضای پر از ابهام، نگرانی ها را افزایش دهند. از جمله کنفرانس اخیر در برلین که گفته شد هدف از آن، تغییر نظام در افغانستان از نظام متمرکز به یک نظام فدارالی بوده است. این کنفرانس، نمایانگر نگرانی بخشی از اپوزیسیون سیاسی دولت افغانستان را از این فضای سراپا ابهام نشان می دهد در عین حال موجب خشم آقای کرزی نیز شده است. بنابراین مارک گروسمن در سفر خویش به منطقه، وقتی با مقامات افغان صحبت می کند، باید به روشن ساختن این ابهامات بپردازد و این کار ساده نیست.

ممکن است گروسمن در ملاقات با رئیس جمهور کرزی، مسایلی را با وی در میان گذاشته باشد، اما این اطلاعات، شامل مسایلی نخواهد بود که موجب بی اعتمادی طالبان بر امریکا گردد. بنابراین بخشی از این مسایل با افغانستان یا هیچ کشور دیگری شریک نخواهد شد.

این تنها دولت افغانستان نیست که از این ابهامات نگرانی دارد. پاکستانی ها هم که می خواهند به عنوان یک طرف مهم و غیر قابل انکار در این پروسه سهم داشته باشند، از این جریان کنار نهاده شده اند. پاکستان که در طول ده سال اخیر به خیانت به آرمان های امریکا در منطقه متهم است، ناراحتی خود را از این جریانات پنهان نکرده است. عدم موافقت مقامات پاکستانی از سفر گروسمن به پاکستان، پیغام معنی داری از جانب امریکا را به دنبال داشت. امریکا اعلام نمود که گروسمن به جای اسلام اباد به دهلی جدید خواهد رفت و با مقامات هندی در رابطه به مسایل افغانستان مذاکره خواهد نمود.

به نظر می رسد سردی روابط میان اسلام آباد و واشنگتن که از سال ۲۰۱۱ با کشته شدن اسامه بن لادن وارد مرحلهٔ حساسی گردید و با کشته شدن بیست و چهار سرباز این کشور در حملهٔ ناتو در مهمند اجنسی به شدت تیره شد، در سال ۲۰۱۲ ادامه خواهد یافت. نگرانی و نارضایتی پاکستان از امریکا زمانی شدت گرفت که امریکا بدون مشورت با پاکستان، به بازشدن دفتر قطر برای طالبان موافقت کرد و به این ترتیب، مذاکرات را به جایی دور از دسترس پاکستان برد. بنابراین روابط امریکا و پاکستان همچنان سرد باقی می ماند و راه های اکمالاتی ناتو از خاک پاکستان همچنان بسته است که این مسئله موجب بلند رفتن مصارف حضور نظامی امریکا در افغانستان گردیده است.

گروسمن امیدوار بود که با سفر به پاکستان، با مقامات آن کشور در مورد این مشکل نیز صحبت نماید اما پاکستانی ها با عدم موافقت با این سفر، موجبات خشم امریکا را فراهم کردند. یک دلیل این عدم تمایل از جانب پاکستان می تواند بحران سیاسی در داخل پاکستان نیز باشد. بحرانی که ممکن است به کنار رفتن رئیس جمهور از قدرت منجر گردد. از جانب دیگر پاکستان از اینکه دفتر قطر بدون خواست این کشور گشوده شده، ناخشنود است. اگر هدف از این سفر همانگونه که اعلام گردیده، جلب حمایت منطقوی از برنامهٔ صلح در افغانستان بوده است، یکی از کشورهای مهم، خود را از این حمایت کنار کشیده است.

برفکوچ در بدخشان خانواده هایی زیادی را...

آسیب دیده مسدود بودن راه های مواصلاتی است که روند کمک رسانی را به چالش های زیاد روبرو ساخته است.

والی بدخشان هشدار داده است که اگر کمک های فوری به آسیب دیدگان این ولایت نرسد، احتمال فاجعهٔ انسانی در بدخشان وجود دارد.

شاهدان عینی از ولسوالی های یاوان و راغستان ولایت بدخشان در تماس با مجاهد گفته اند که، شماری قابل توجهی از قربانیان برفکوچ در منطقه، در زیر آوار برف جان های خود را از دست داده اند. به گفتهٔ مردمان محل، ابعاد حادثه در منطقه خیلی گسترده بوده و ارتفاع برف در آنجاها تا سه متر رسیده است.

برفباری های شدید به روزهای شنبه و یکشنبه (۲۴ و ۲۵ جدی باعث فرود آمدن برفکوچ در هشت ولسوالی، از جمله شهرستان های راغستان،کوهستان، یاوان و اشکاشم گردید و برعلاوهٔ تلفات انسانی خسارات مالی و حیوانی را در پی داشت.

بدخشان یکی از ولایت های آسیب پذیر است که همه ساله در اثر آفت های طبیعی ضررهای زیادی را متحمل می گردد. امسال بر علاوهٔ بدخشان ریزش برف سنگین مناطق مرکزی افغانستان را نیز متضرر ساخته و مردمان ولایات سرپل، بامیان، بغلان و دایکندی به صورت غم انگیزی در محاصرهٔ برف گیر مانده‌اند. در همین حال برخی از جریان های سیاسی منتقد، دولت را متهم نمودند که قادر نیست، تا عملیه نجات را به مناطق آسیب پذیر بفرستد و بدین ترتیب مسوولیت های خود را در قبال مردم به درستی انجام نداده است.

اما مقامات دولتی گفته اند که کمک های فوری را به مناطق آسیب دیده رسانده اند و تنها در برخی از مناطق، مسدود شدن راه های مواصلاتی در اثر ریزش برف سنگین، جریان انتقال و توزیع مواد اولیه را به کندی مواجه ساخته است.

نظریات دانشمندان تاجیکستان در مورد استاد ...

تهران ملاقات داشته است، از خدمت های او در استقرار صلح تاجیکان و بازگشت مهاجران تاجیک به وطن با قدردانی یاد کرده، گفت، که در حقیقت خدمت های استاد برای ما مهاجران تاجیکستان در افغانستان بسیار بزرگ بود. به مهاجران از جهت تأمین غذا و جای زیست زیاد کمک کردند. همچنین، برای هرچی زودتر قطع شدن جنگ تاجیکان و بازگشت مهاجران به وطن نیز خدمت های زیادی نموده‌اند. او در آخرین صحبتش با استاد ربانی در تهران راجع به وضع تاجیکستان، از جمله وضع دینداران و تصویب قانون در بارهٔ مسوولیت والدین گفتگو کرده است.

سیف‌الله صفراف، معاون رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک نزد ریاست جمهوری تاجیکستان، از استاد ربانی به عنوان یک شخصیت جهانی یاد کرد: «با رفتن او، صلح در افغانستان لطمهٔ سختی دید. استاد برهان‌الدین ربانی یکی از شخصیت های شناخته شدهٔ جهانی بود، چون که آنها در همه موردها، نه تنها در مورد صلح افغانستان، بلکه تمام منطقه تلاش می‌کردند. به خصوص، به نزدیکی یک پیامی به مردم تاجیکستان در نشریهٔ «ملت» داشتند و در آنجا مسئلهٔ صلح تاجیکستان و نگاه داشتن آن را مطرح نمودند. من نیز دوام ده- پانزده سال پیش صحبت هایی با این استاد بزرگ داشتم و از او خاطره های خوبی هم دارم. شهادت استاد باعث نگرانی زیاد از دوام دادن مذاکرهٔ صلح در افغانستان است، چون که استاد ربانی رئیس شورای عالی صلح افغانستان بودند و جامعهٔ جهانی سر این شخصیت اعتماد داشت و اکثر مردم افغانستان به این شخصیت باوری داشتند. حالا نمی‌دانم، که دیگر چه شخصیتی در افغانستان برای صلح این کشور نقش کلیدی خواهد داشت. مسئلهٔ صلح افغانستان شاید مسئلهٔ مستقلی باشد. اما این صلح با رفتن استاد برهان‌الدین ربانی لطمهٔ سختی دید و می‌شود گفت، که موقتاً به شکست مواجه شد».

اکبرشاه اسکندراف، سرپرست وقت ریاست جمهوری تاجیکستان، که در ۲۷ ژوئن سال ۱۹۹۲ در رأس هیئت حکومت تاجیکستان به کابل رفته بود، تا استاد برهان‌الدین ربانی را تبریک بگوید، ترور شدن استاد ربانی را با اندوه زیاد تسلیت گفت: «استاد ربانی تنها نفری بود، که تمام گروه ها در افغانستان به حرف او گوش می‌دادند. ترور شدن استاد برهان‌الدین ربانی نه تنها برای افغانستان، بلکه برای تاجیکستان نیز تلفات بزرگ است. چون که ایشان یکی از شخصیت های معروف در جهان بودند».

اکنون غمخوار و غمگسار و پشتوانهٔ تاجیکان (تاجیکستان) به حق پیوست و این ملت را صغیر کرد. خدا بیامرزد مردان نیکنام را!!

بازهم صدای صلح...

کشور پاکستان برود تا روی ردیابی به شهادت رسیدن استاد شهید صحبت نمایند، تا پاکستان نیز بتواند در ردیابی در این زمینه همکاری نماید که پاکستان از قبول هیأت افغانی سرباز زد تا اینکه به وساطت رئیس جمهور ترکیه در کنفرانس استانبول، که رؤسای جمهور افغانستان و پاکستان حضور داشتند، پاکستان پذیرفت تا به هیأت افغانی اجازه دهد. همان بود که ماه پیش، هیأت نُه نفری تحت ریاست جنرال حسام الدین معاون امنیت ملی، به پاکستان رفت و نتیجهٔ که منجر به دستگیری و ردیابی قاتل شهید صلح شود، برملا نشد و یا اسراریست در نزد امنیت ملی که از افشای آن اباء ورزیده اند. در حالی که آقای صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی با جمعی کادرهای جمعیت در دیداری که با رئیس جمهور داشتند، تأکید نمودند تا امنیت ملی، یافته هایش را در ارتباط شهادت استاد، با جمعیت شریک سازد.

پاکستان در حالی که خود را طرفدار صلح و آرامش در پاکستان و افغانستان وانمود می کند، شهادت استاد شهید را بالای مهاجرین افغان می اندازند که وزیر خارجهٔ پاکستان در مجلس سنای آنکشور در ارتباط ترور استاد برهان الدین ربانی گفته است: اگر چند مهاجر افغان ساکن در پاکستان پس از عبور از مرز وارد کابل شده و در اتاق پذیرایی، پروفیسور ربانی، را به قتل می‌رسانند، پاکستان مسوول این حادثه نیست. این اظهارات می رساند که شخص انتحاری و تروریست متعلق به هر قوم و تباری باشد، از آن کشور صادر شده است.

اما روی پروندهٔ شهادت استاد شهید تا حال پیشرفتی رونما نشده است. در هر ملاقاتی که به این ارتباط با رئیس جمهور کرزی صورت می گیرد روی تعقیب و پیگیری آن صحبت می شود و نتیجهٔ ملموس قانع کننده، تا هنوز ارائه نگردیده است.

بعد از این همه اتهام زدن های رسانه یی میان مقامات دو کشور (افغانستان و پاکستان)، آقای قاسمیار مشاور امور بین المللی شورای عالی صلح به رسانه ها از سرگیری نشست مشترک صلح میان افغانستان و پاکستان، در کابل و یا اسلام آباد خبر داده است.

جمعیت اسلامی افغانستان در طول دوران مبارزات برحق سیاسی و نظامی اش، طرفدار صلح و آرامش و رفاه و ثبات و تأمین امنیت در کشور و همسایگان بوده، اندرین راه تلاش های بیحد و حصری را نموده و با چالش ها و تنش های دشوار دست و گریبان بوده، تا سرحد دادن قربانی، این تلاش ها ادامه داشته و رهروان این نهضت بزرگ ادامه دهندهٔ این راه خواهند بود. بهترین قرماندهان و فرزانگان سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی و رهبر خردمند و گرانقدر جمعیت دراین راه از جان های شیرین شان گذشته اند که روح همهٔ شان را شاد و راهشان را پر رهرو می خواهیم. جمعیت اسلامی در حالی که از پروسه های صلح در سطوح مختلف حمایت می کند، از دولت افغانستان و شورای عالی صلح مجدانه می طلبد تا در پیگیری پروندهٔ ترور رهبر شهید از هیچگونه سعی دریغ نورزند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و یکم اول دلو ۱۳۹۰ ۲٦ صفرالمظفر ۱٤۳۳ – 21 January 2012

برق ازبکستان از طریق افغانستان به پاکستان انتقال می شود

کشور پاکستان که به کمبود انرژی برق مواجه است، می خواهد از کشور ازبکستان برق مورد ضرورتش را اکمال نماید که لین های این برق از مسیر افغانستان به آن کشور وصل می گردد. دولت پاکستان قبلاً به دولت افغانستان، پیشنهادی را در مورد اجازهٔ انتقال برق تقدیم داشته بود، روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته، شورای وزیران توافق کرد تا برق ازبکستان از طریق خاک افغانستان به پاکستان انتقال داده شود. حکومت افغانستان به این در خواست پاکستان در اصول موافقه نموده است و به وزارتخانه های ذیربط وظیفه سپرده تا روی آن کار نمایند.

گفته می شود که، پاکستان در مناطق هم مرز با افغانستان با کمبود برق رو برو است و تلاش دارد با برق وارداتی از کشور ازبکستان نیازهای خود را مرفوع سازد.

به گفتهٔ وزارت آب و برق کشور، قرار است در رابطه به جزییات انتقال لین برق ولتاژ بلند از ازبکستان به پاکستان از طریق خاک افغانستان، در روزهای بعدی با تیم های تخنیکی هردو کشور افغانستان و پاکستان گفتگو شود.

آنچه انتقال برق را همانند سایر امور به چالش خواهد کشید، وضعیت بد امنیتی در مناطق جنوبی کشورما و شمال کشور پاکستان است، در مناطقی که مخالفین مسلح حضور داشته باشند، بعید به نظر می رسد که چنین پروژه ها به موفقیت بینجامد.

پیش از این پروژه بزرگ انتقال پایپ لاین گاز ترکمنستان از طریق خاک افغانستان به پاکستان و هند نیز مورد توافق قرار



گرفته بود، اما همین چالش های امنیتی سبب شد که تا حال جنبهٔ عملی را به خود نگرفته است.

آگاهان امور بدین باور اند، تنش های سیاسی فی مابین افغانستان و پاکستان و هند که گاه گاهی بلند می شود و یکی به آدرس دیگری می تازند مناسبات را تیره می سازد و راه اندازی و پیشرفت پروژه های عام المنفعه را به رکود مواجه می سازد.

ازبکستان کشوریست که از انرژی برق بیشتری برخوردار است که کشورما نیز به برق وارداتی آن کشور وابسته است و چند ولایت به شمول کابل پایتخت کشور، از آن استفاده می نمایند.

د پاکستان ولسي حکومت له اردو ورسته د ستري محکمي تر گوابن لاندي!

رفیق بحر

له نږدي اتو میاشتو راهیسې د پاکستان د ولسي حکومت او د دغه هیواد د پوځي کړیو او په ځانګړې توګه داستخباراتو تر مینځه پیل شوی کړکیچ نوي دور ته داخل شو؛ د دغه کړکیچ درې عمده لاملونه وو چې یو د بل پسې یې د کړکیچ په زیاتوالي کې یې رول لرلو: د مئ په میاشت کې دغه کړکیچ هغه مهال رامینځته شو چې کله دالقاعده د ترپوال سازمان مشر «اسامه بن لادن» د ایبټ آباد په نومی سیمه کې د امریکا د ځانګړو کماندویي ځواکونو لخوا ووژل شو او داچې د یو بل هیواد ځواکونه په پاکستان کې داسې پراخ عملیات کوی نو د پاکستان دهیواد ځمکنی بشپړتیا او ملي حاکمیت یې له سوال لاندې راوست، ځکه پداسې مرکزي سیمه کې لومړی دنوموړي اوسیدنه پوښتنې راولاړوي او بیا یې د یو بل هیواد د ځواکونو لخوا وژنه پوښتنې راولاړوي چې څنګه ورځخه حکومت او هیواد امنیتي او هیواد امنیتي ارګانونه خبر نه اوسي. همدارنګه یوه نیمه میاشت وړاندې د مهمندو په قبایلي سیمه کې (چې په حقیقت کې دافغانستان سیمه ګڼل کیږي) د پنځه ویشتو پاکستاني پوځیانو د ناټو د ځواکونو لخوا د بمباریدو په نتیجه کې په وژل کېدو سره دغه کړکیچ نورهم زیات شو او د دې لامل شو چې د پاکستان چارواکې د امریکا سره دترهګری (؟) په خپلوکې په روانه همکاری او همغږی له سره فکر وکړی او هماغه وو چې له اوږدې مودې راهیسې د دواړو هیوادونو ستراتیژکه دوستی تکنی شوه او هغه پاکستان چې د امریکا لخوا به یې ضرب الاجلونه منل؛ امریکا ته یې د دې ضرب الاجل ورکړچې له شمسي هوایي اډې څخه خپلې بې پیلوټه الوتکې وباسي او هم یې پرې د ناټو پوځونو ته د کومکي توکو د رارسوونکو لاریو لارې وتړلې.

خو دغه کړکیچ هغه مهال نورهم اوج ته ورسیده چې کله د پاکستان د ولسمشر آصف زرداري لخوا «مایك مولن »او امریکایي مقاماتو ته د یو لیك د هستولو څخه پرده پورته شوه چې پکې یې ورڅخه د پاکستاني پوځ لخوا د احتمالي کودتا مخنیوي کی مرسته غوښتې وه او د نوموړي دغه اقدام پاکستاني پوځ او ډیری سیاسی کړیوې د خپل هیواد نوروته د رازافشاء کولو مترادف وګانه او په حقیقت کې هم، داسې کړنه د یو هیواد داساسی قانون خلاف عمل او ملي خیانت ګڼل کیږی لکه چې آصف زرداري یې مرتکب شوی دی او په همدې بنیاد په امریکاکې د دغه هیواد دسفیر له خپلې دندې څخه ګوښه کړاې شو؟

ځکه چې دغه لیك یې «مولن» ته سپارلی وو، چې له همغې ورځې څخه د پاکستان د پوځ او ولسي حکومت کړکیچ نور د بحران رنګ غوره کړ او پوځ د دې تا بیاونیوله چې باید د خلکوګوند حکومت نورله مینځه یوسي او په همدې منظور یې دبدیل سیاسی ځواك په تیارولو هم کار پیل کړ چې دعمران خان د انصاف ګوند یې له خپل طبیعی رفتارڅخه زیات ګړندی او پیاوړی کړ او د مسلم لیګ او دخلکوګوند څینې مهمې څېرې یې وهڅولې څو د عمران خان هغه ګوند کې غړیتوب ومنې چې د پاکستان پوځ یې واك ته د رسولو لپاره زړه ښه کړی دی.

همدارنګه د زرداري د لیك له هستولو وروسته د پاکستان عدالتي اداري (قضائیه قوې)) هم ددې تا بیا ونیوله چې باید هغه ولسي حکومت نور تادیب کړي چې په یووخت کې د هیواد ولسمشریې هم له خپل ګوند څخه دی او په همدې باندې د مغرور کېدلو لامله مقننه او اجرائیه دواړه اوس هغه څه کوي چې دهیوادملي ګټواو اساسی قانون څخه خلاف دي: ځکه دا دول لیك لیږل د پاکستان د اساسي قانون له مخې ملي خیانت ګڼل کیږي چې د خپل هیواد د داخلي ارګانونو او په ځانګړې توګه د پوځ له ارادو څخه پکې نورخبرولی شي.

نوهماغه وو چې د پاکستان ستري محکمې د دغه هیواد د صدراعظم سیدیوسف رضاء ګیلاني د محکمې د پریکړې په سپکاوي باندی تورن کړ او د جنوري شلمې نیټې ته یې د محکمې په وړاندې د حاضریدو او ځواب ویلوته وباله؛ دمحکمې د پریکړې له مخې ګیلاني په دوه زره اووم کال یوشمیر هغو کسانوته عفو اعلان کړې وه چې هغوی محکمې ته مطلوب او جرمونه لرونکي وو چې دهیواد اوسنی ولسمشر اصف زرداری هم د دغو کسانو له جملې څخه وو او د خیانتونو دوسیې یې لرلې. چې یوسف رضاء ګیلاني د یو فرمان له مخې دوی ټول بخښلی وو او دا د محکمې ادعاء له مخې د محکمې د پریکړې د نه منلو مترادف او سپکاوي معنا لري خویوسف رضاء ګیلاني د هر دول مواخذې ځاې د هیواد ولسي جرګه ګڼي او د هغه د تصریحاتو له مخې نوموړی ځان پدی مکلف نه ګڼي چې یو فردته ځواب ووایي؛ بلکې وایي چې دی دهرې نیوکې ځواب پارلمان ته ورکوي.

دا پداسې حال کې ده چې د ولسي جرګې دننه هم د اپوزیسیون ګوندونه د نوموړي پر خلاف د نه باور د رایې راوړاندې کولو لپاره تا بیانیسي او پدې ترتیب د یوسف رضاء ګیلاني حکومت دستری محکمې او نه باور د دوه و ځورندوتورو ترمینځ قرار لري چې یوه به یې خامخا د واکمن ګوند د صدراعظم په سر راکوزیږي خو د خلکو ګوند ته ښایي له ټولو ابرومندانه لپاره دا وي چې زرداري پخپله حکومت رنګ اعلان کړي او له وخته مخکې د نورو ټاکنواعلان وکړي خو دا به هم زرداري ته ګرانه پریښې ولې چې رضاء ګیلاني هغه څوك دی چې د زرداري جرمونه یې وریت کړي او پرده یې د دې احسان کړي چې محکمې ته د وړاندې کېدو او ورته د مطلوب ګرځیدو څخه یې وژغوري ځکه که یوسف رضاء ګیلاني دا کار د (۲۰۰۷کال تورونو ته د عفوې اعلان نه واې) کړی نو زرداري ولسمشرۍ ته هم نه شو رسیدلاې.

نو اوس له زرداري څخه لیار ورکه ده چې څه وکړي؟ د خپل محسن حکومت رنګ کړي او که د محکمې او مقننې وروستیو پریکروته انتظار وباسي چې ښایي هره یو یې د دواړو لپاره ډیر زیان ولري.

میان طرف های صلحخواه کی باید میانجیگری نماید؟

مصباح شعیب

طوری که هموطنان در جریان قرار دارند، در این روزها طبل صلح و مصالحه با طالبان نواخته می شود که گفته می شود این صلح به ابتکار امریکا و دیدارهای آن ها با نمایندگان طالبان راه اندازی شده است. و در این رابطه دفتری ارتباطی طالبان در دوحه مرکز قطر ایجاد و گفته می شود برخی سران طالبان با فامیل های شان به آن کشور رفته اند. بعد از اعلام رسمی این دفتر در قطر که بدون درجریان قرار داشتن دولت افغانستان بوده، آقای حامد کرزی ابتدا واکنش نشان داد که بعداً پذیرفت اما خواهان آن شد تا هرنوع صلح و مذاکره با مخالفین مسلح، از جانب دولت افغانستان رهبری شود. همان بود که آقای کرزی گفته بود: (ما بخاطر امنیت خانه های مردم افغانستان و زندگی مطمین آنان در فضای صلح آمیز و از بین بردن بهانه های جنگ در کشور با گشایش دفتر طالبان در قطر موافقت کردیم.)

شورای علمای کشور نیز در اعتراض به دفتر طالبان در قطر بدون در جریان قرار گرفتن دولت و شورای عالی صلح، هفتهٔ گذشته طی اعلامیه ای گفتند که، باز شدن دفتر طالبان در قطر از نظر شورای سرتاسری علما صرفاً می تواند به عنوان یک آدرس برای طالبان تلقی شود و بعد از قطع جنگ علیه مردم افغانستان، مذاکرات باید تحت اشراف و نظارت دولت جمهوری اسلامی افغانستان و شورای عالی صلح صورت گیرد.

در پی این اعتراض ها، قرار شد آقای مارک گروسمن نمایندهٔ خاص بارک اوباما رئیس جمهور امریکا در افغانستان و پاکستان، به افغانستان، قطر، ترکیه، امارات متحدهٔ عربی و عربستان سعودی سفر و با جوانب ذیدخل در ارتباط صلح در افغانستان صحبت نمایند. سفر آقای گروسمن که هفتهٔ پیش از جانب هیلاری کلنتن وزیر خارجهٔ امریکا اعلام شد، آقای گروسمن وظیفه دارد تا برای مشوره در ارتباط برنامهٔ صلح در افغانستان و همچنان با هم پیمان های امریکا در منطقه صحبت نماید. خانم کلنتن گفته است: « ما آماده هستیم تا از پروسهٔ صلح به رهبری افغان ها حمایت کنیم. اگر بدانیم که این پروسه سبب پایان دادن بحران افغانستان می شود، ازین پروسه حمایت کرده و در آن سهم می گیریم.» اما پاکستان به آقای گروسمن اجازهٔ ورود به آن کشور را نداده است. از سوی دیگر، وزارت خارجهٔ کشور، روند کنونی در راستای صلح را حساس ترین مرحله خوانده گفته است که، پروسهٔ صلح باید به رهبری افغان ها صورت گیرد.

حال با این همه تنش های که میان دولت افغانستان و کشورهای طرفدار صلح درجریان است، ایجاب می نماید تا میانجی ای در میان طرفداران صلح، پیدا شود و ابتداء این ها را در میز مذاکره بنشاند که بعد از توافق، با مخالفان مسلح دولت افغانستان نشست و مذاکره شود!